تماشاگه راز

مقاله، نقد و گفت‌وگو درباره سینمای دفاع مقدس

www.ketab.ir

واحه
نشر واحه

۹ پیش‌گفتار/۱۷ بخش اول: تولید فیلم مستند جنگی و مختصات آن /۱۹ یک تجربهٔ ماندگار/۳۷ واقعیت در سینمای مستند /۵۳ یک گفت‌وگو: نگاهی دوباره به «روایت فتح» /۸۱ خنجر و شقایق /۸۵ بخش دوم: تولید فیلم داستانی جنگی و نقد چند نمونهٔ شاخص/ ۸۷ بیگانه با زمانه /۹۱ ای بلبل عاشق، جز برای شقایق‌ها مخوان!/۹۹ گروهبان خیالی/ ۱۰۳ در کوچه‌های هوس‌بازی کودکانه/۱۰۵ سفر معنوی /۱۱۵ فیلم‌سازی در گیر و دار

عنوان: تماشاگه راز / مؤلف: سیدمرتضی آوینی / نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۳۹۱ / شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه / قیمت: ۸۰،۰۰۰ ریال / ویراستار: حبیب‌الله حبیبی فهیم / مدیر هنری و طراح جلد: حسن کریم‌زاده / طراح گرافیک: حسین کریم‌زاده / ناظر چاپ: حمید علی‌محمدی

واحه نشر واحد

www.ketab.ir

تجربهٔ درونی/ ۱۲۳ نامه‌ای به دوســـت زمان جنگ/ ۱۲۹ بخش سوم: تجربهٔ نسل جوان سینماگران انقلاب برای شکل‌دهی سینمای دفاع مقدس / ۱۳۱ خسته نباشید برادران! / ۱۳۷ فرزندان انقلاب در برابر عرصه‌های تجربه‌نشدهٔ سینما / ۱۵۵ سینما و هویت دینی دفاع مقدس / ۱۵۹ مآخذ/ ۱۶۰ آیات و روایات/ ۱۶۱ تعابیر، اصطلاحات، مکاتب و.../ ۱۶۹ اَعلام

/ شابک: ۳-۲-۹۲۹۶۳-۶۰۰-۹۷۸ / لیتوگرافی: کوثر/ چاپ: پایدار / صحافی: البرز / مرکز پخش: ۶۶۵۶۴۹۸۴ و ۰۹۱۲۱۳۵۳۸۲۶ / تمام حقوق این اثر محفوظ و متعلق به نشـر واحه اسـت/ به سـفارش دبیرخانهٔ دوازدهمین جشـنوارهٔ بین‌المللی فیلـم مقاومت / تلفکـس: ۲۲۷۹۰۱۶۱ / پسـت الکترونیکـی: vahe.pub@gmail.com

www.ketab.ir

و وضعیت این فیلم‌ها و سازندگانشان را زیر نظر گرفت. نوشته‌های او دربارهٔ سینمای دفاع مقدس به دو دسته تقسیم می‌شود: آن‌چه دربارهٔ آثار مستند نوشته و آن‌چه به‌منظور نقد و تحلیل فیلم‌های داستانی منتشر کرده. بخشی از مهم‌ترین مبانی مورد نظرش در تبیین سینمای دفاع مقدس را در گفت‌وگوی بلندی با امید روحانی که تحت عنوان «سینما، تکنولوژی و ساختار هویتی برای انسان نو» در سال ۱۳۷۱ منتشر شد، شرح داده: «... ما در روایت فتح با این قضیه برخورد داشتیم که فیلم‌ها را از جبهه می‌گرفتیم و می‌آمدیم پشت میز مونتاژ. اولاً که موقع فیلم‌برداری، گام‌به‌گام جلو رفتیم که چطور باید فیلم گرفت، چطور باید میکروفن را حذف کرد، سه‌پایه را چطور باید حذف کرد... و خیلی از این مکافات‌ها که خودش داستانی شنیدنی است. اما وقتی فیلم‌ها را می‌بردم پشت میز مونتاژ برای تدوین، می‌دیدم که مشکل اصلی هنوز برقرار است که خب، برای بیان این حقیقت چه باید کرد؟ می‌رسیدی به این‌که جماعتی، یک نسل جوان، در خودش به نسبتی جدید رسیده است با واقعهٔ کربلا که هزار و چهار صد سال پیش رخ داده، اما این جوان معاصر، تازه با کشف و رسیدن به یک نسبت جدید با واقعهٔ کربلا، دارد در این جبهه می‌جنگد و شما فیلمش را گرفته‌ای. حالا اگر بخواهی این نسبت را برقرار کنی و در فیلم از این نسبت و این جنگ بگویی، چطور باید بگویی؟ من پشت میز مونتاژ دنبال این راه بودم.»

این دغدغه برای آوینی جدی است. او در جست‌وجوی راهی است برای بیان حقیقت حاضر در جبهه‌ها، بنابراین در پی شناخت ماهیت سینما و امکانات آن برمی‌آید و پس از پایان جنگ مجال پیدا می‌کند تا آرا و نظریاتش در باب سینما را سامان بخشد. او در مقالات سینمایی‌اش، بارها بر اهمیت تکنیک در سینما تأکید می‌کند و معتقد است که تکنیک از مضمون بیش‌تر اهمیت دارد، و مضمون‌زدگی را یکی از آفات جریان سینمایی کشور می‌داند. در همان گفت‌گوی «سینما، تکنولوژی و...» می‌گوید: «اگر اثری بتواند حرفش را بزند، و آن را درست

www.ketab.ir

و بـا تکنیکِ صحیح بزنـد، معارضه‌ای با هیچ‌کس و هیچ چیز ندارد؛ نه با فطرت الهی معارضه دارد و نه با نظرهای دیگران، هر قدر هم رنگ و بوی مردم‌پسندانه داشـته باشد. از ابتلائات دیگر سـینمای ما اتفاقاً همین مضمون‌پردازی است که همه‌جا نفوذ کرده و وجود دارد. نقدی که در سـینمای ما الان اتفاق می‌افتد، نقد مضمون اسـت و این کاملاً اشـتباه است. سینما باید «نقد تکنیک» شود و نه «نقد مضمون». در سـینما مضمون بعد از تکنیک مطرح اسـت. مخالف آن نیسـتم که نقد مضمون بشـود؛ ما حتی به مضامین خاصی احتیاج هـم داریم، اما نباید آنها را سـفارش بدهیم. مثلاً به سـینمای جنگ احتیاج داریم و باید تقویت بشود. در جنگ به ارزش مفاهیم و روح بشـری رسـیدیم. نباید به این تاریخ هشت‌سـاله پشـت کنیم، اما مضامین جنگی را سـفارش نباید داد؛ از درون خود هنرمند باید بجوشد و از درون عُلقه‌های خود او. ما باید مهارت در تکنیک را تحسین کنیم تا امکان بیان مضامین را داشته باشیم. به دلیل تکنیک بد، مضامین را خراب می‌کنیم. در سـینمای جنگ هم متأسفانه مضامین جنگی به این شکل بد که گفته می‌شود، نگفتنش بهتر اسـت. باید دست و پای بعضی‌ها را بست که فیلم جنگی نسازند، یا فیلم دینی نسـازند. فیلم دینی یا جنگی ساختن خیلی دشوارتر از بیان مضامین دیگر اسـت. نباید به این شـکل برخورد کنیم که این فیلم خوب اسـت چون به جنگ پرداخته. خیلی از فیلم‌هایی که به جنگ پرداخته‌اند به‌شدت بد هستند. یک دسته از بدترین فیلم‌هایی که پس از انقلاب ساخته‌ایم فیلم‌هایی اسـت که به جنگ پرداخته‌اند. خیلی‌ها فیلم‌های جنگی ساخته‌اند که در واقع ضد جنگ است، ضد خود مفاهیم جنگ اسـت. بسـیجی را تبدیل کرده‌اند به یکی از این مسخره‌ترین پرسـوناژها که آدم در فیلم‌های پاکستانی می‌بیند. این کار خیانت به جنگ است. در سـینما مضمون بسـیار زیبا را به صورتی می‌توان بیان کرد که خلاف خودش دربیایـد، یا حتی معارض بـا آن معنایی که اول قرار بوده گفته شـود. اما اگر به تکنیک اهمیت بدهیم، مسائل خیلی فرق خواهد کرد. نمی‌شود گفت فیلم پلیسی

www.ketab.ir

بد است، ملودرام بد است، ولی فیلم جنگی خوب است. این از عادات پس از انقلاب است که هر کس به خودش اجازه می‌دهد نقد فیلم بنویسد. همه فکر می‌کنند سینما یعنی مضمون و بعد می‌نویسند که فلان فیلم بد است چون مضمونش چنین است...ظرف و مظروف و یا قالب و محتوای سینما هم، مثل همهٔ هنرهای دیگر، در مرحلهٔ خلق یا تولید باید توأماً ظاهر شوند و اگر هر یک بر دیگری پیشی بگیرند، نتیجهٔ کار از صورت مطلوب فاصله خواهد گرفت. اگر تکنیک سینما را تا حد مجموعه‌ای از مهارت‌های فنی تنزل دهیم، جوهر سینما هرگز فرا چنگ ما نخواهد آمد؛ فیلم‌هایی خواهیم ساخت که در آنها رزم‌آوران مسلمان، تنها در ظاهر امر، جایگزین کلاه‌سبزهای آمریکایی خواهند شد و یا مأموران نیروی انتظامی جانشین اعضای اف‌بی‌آی، و اگر به امکانات فنی سینما بی‌اعتنا شویم، روح قصه یا فیلم‌نامه فرصت انکشاف نخواهد یافت، همچون روحی زیبا و پُرتوان که بر کالبدی زشت و علیل تعلق یابد.»

شهید آوینی در همین مصاحبه از «جسم» و «جان» تکنیک صحبت می‌کند. او چیزی را جسم تکنیک می‌نامد که بر ساختار فنی و بصری و رعایت قواعد دستور زبان سینما دلالت کند. اما تسلط بر ذات سینما و رام کردن آن را در گرو تسخیر جان تکنیک می‌داند، و برای به چنگ آوردن آن، آیینگی هنرمند در برابر واقعیت و مرعوب نشدنش در برابر تکنیک را لازم می‌داند. در آخرین مقاله‌ی نظری سینمایی‌اش به نام «تکنیک در سینما» می‌نویسد: «جنگ هشت‌ساله‌ای که ما از سر گذراندیم، واقعیتی است که بسیاری دربارهٔ آن فیلم ساخته‌اند، اما در کدام‌یک از این فیلم‌ها حقیقتِ آن انکشاف یافته است؟ هر فیلم جهانی خاص خویش دارد. فیلم «آبادانی‌ها» عالمی دارد که همان عالم «دیدمان» نیست، اگرچه هر دو دربارهٔ همین جنگ هشت‌ساله هستند. یک بار هست که فیلم‌سازی در جنگ عوالم درونی خویش را می‌جوید و یک بار هست که فیلم‌سازی دل به انکشاف حقیقت می‌سپارد و خود را همچون آیینه‌ای صادق در برابر آن‌چه هست

www.ketab.ir

قرار می‌دهد، نه در برابر آن‌چه او می‌خواهد باشد. و البته هیچ‌کس نمی‌تواند آیینه‌ای مطلق باشد و خواه‌ناخواه رشحاتی از سوبژکتیویتهٔ او نیز در اثرش پیدا خواهد آمد... ما در گروه «روایت فتح» شیوهٔ مستندسازی خودمان را «اشراقی» می‌خوانیم. ما به‌تجربه دریافته بودیم که حقیقتِ هستی امکان ظهور در سینما را دارد، منتها باید تکنیک و تکنولوژی سینما را که همواره مانع و حجاب این تقرب هستند «اهلی» کرد. و این اهلیت اگرچه با مهارت‌های فنی نسبتی غیر قابل انکار دارد، اما بیش از هر چیز به نسبتی رجوع دارد که فیلم‌ساز با عالم وجود برقرار می‌کند، یعنی همان «التفات اگزیستانسیل»، چرا که به هر تقدیر حقیقت با واسطهٔ هنرمند در اثرش اشراق خواهد یافت. ما آموخته بودیم برای آن‌که قابلیت این اشراق در کارمان فراهم آید، باید اجازه ندهیم که سوبژکتیویته در کارمان اصالت پیدا کند و بنابراین، خودمان را یک‌سره تسلیم واقعیتی می‌کردیم که در جبهه‌ها وجود داشت.»

اگرچه او اصطلاح شیوهٔ «اشراقی» را در مورد مستندهای روایت فتح به کار می‌برد، اما این توصیف به یک مضمون خاص مثل دفاع مقدس و یا یک ژانر خاص مثل فیلم جنگی محدود نمی‌شود. بلکه ناظر به این معنی است که در مواجهه با هر موضوعی، با از میان بردن من و آیینگی در برابر واقعیت، حقیقت آن موضوع برای هنرمند منکشف و در اثرش جلوه‌گر می‌شود.

گرچه برای فهم کامل این مباحث، رجوع به مجموعهٔ آن‌چه آوینی دربارهٔ سینما نوشته ضروری به‌نظر می‌رسد، اما در این کتاب می‌توانید به‌طور خاص، نوشته‌های او دربارهٔ سینمای دفاع مقدس را مرور کنید تا با چارچوب‌های نظری او در این حوزه، آشنا شوید.

❁

کتاب حاضر از سه بخش تشکیل شده است: ابتدا سه مقاله و یک گفت‌وگو را خواهید خواند که به تشریح ویژگی‌های سینمای مستند جنگی با محوریت

www.ketab.ir

مجموعهٔ «روایت فتح» اختصاص دارد. سپس نقد فیلم‌هایی را می‌خوانید که آوینی دربارهٔ فیلم‌های داستانی ساخته‌شده دربارهٔ جنگ نوشته است؛ فیلم‌هایی که در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱ بر پردهٔ سینماها به نمایش درآمده‌اند. در آنها هم سه مقاله در توصیف خصوصیات سینمای دفاع مقدس را ملاحظه می‌کنید که پس از برگزاری هفتمین جشنوارهٔ فیلم فجر و به بهانهٔ مرور فیلم‌های حاضر در جشنواره نوشته شده است.

این کتاب به پیشنهاد دوستان برگزارکنندهٔ دوازدهمین جشنوارهٔ سینمای مقاومت ـ انقلاب و دفاع مقدس و با حمایت این جشنواره منتشر می‌شود.

www.ketab.ir